

تحلیلی بر نگرانی روس‌ها از نفوذ آلمان در ایران در جنگ جهانی اول از منظر روزنامه‌ی آچیق‌سوز

محمدعلی رنجبر،* فرهاد نوبخت**

چکیده

مقاله حاضر نگرانی روس‌ها از نفوذ آلمان در ایران در خلال جنگ جهانی اول را از منظر روزنامه‌ی «آچیق‌سوز» مورد بررسی قرار داده است. با عنایت به اینکه این روزنامه، یکی از مهم‌ترین روزنامه‌های قفقاز در سال‌های بین ۱۹۱۵ تا ۱۹۱۸ بود، تحلیل رویکرد آن نسبت به مسأله نگرانی روس‌ها از نفوذ آلمان در ایران می‌تواند آگاهی‌های دست‌اولی از این موضوع در اختیار بگذارد. بنابراین، هدف از این پژوهش تحلیل نحوه‌ی بازتاب نگرانی روس‌ها از نفوذ آلمان در ایران در یکی از مهم‌ترین نشریات قفقاز در دهه اول قرن بیستم و هم‌چنین بازخوانی آن است. برای دستیابی به این هدف، جستار حاضر درصدد است به این پرسش پاسخ دهد که روزنامه‌ی آچیق‌سوز نگرانی‌های روس‌ها از نفوذ آلمان در ایران را چگونه بازتاب داده و مهم‌ترین این نگرانی‌ها چه بوده است؟ فرض بر آن است که روزنامه‌ی آچیق‌سوز و سردبیر آن محمدامین رسول‌زاده رویکردی متمایل به آلمان‌ها در بازتاب نگرانی‌های روسیه از نفوذ آلمان در ایران داشت. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، این روزنامه با وجود همه فشارها از سوی اداره سانسور، از هیچ تلاشی در افشای سیاست استعماری روسیه در ایران و همراهی غیر مستقیم با هواداران آلمان، فروگذار نمی‌کرد. هم‌چنین، مهم‌ترین نگرانی‌های روسیه درباره‌ی نفوذ آلمان در ایران طی سال‌های ۱۹۱۵ تا ۱۹۱۶ را در پنج حوزه، عدم اعتماد روسیه به بی‌طرفی ساختار سیاسی و اجتماعی ایران، تحرکات آلمان‌ها در همدان و کرمانشاه، استفاده آلمان‌ها

(ranjbar@shirazu.ac.ir)

* دانشیار بخش تاریخ دانشگاه شیراز

** نویسنده مسئول: کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی از دانشگاه شیراز.

(farhadnobakht820@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۲۵

از حربه پاناسلامیسم، همکاری ژاندارمری با آلمان‌ها و اشتباهات روسیه در قبال ایران را مورد توجه و بررسی قرار داده است.
کلیدواژه‌ها: روزنامه آچیق‌سوز، محمدامین رسول‌زاده، ایران، روسیه، آلمان، جنگ جهانی اول.

مقدمه

جنگ جهانی اول و گسترش آن به داخل مرزهای ایران، یکی از مهم‌ترین حوادث تاریخ معاصر این کشور به شمار می‌رود. این جنگ در شرایطی آغاز شد که ایران در بدترین وضعیت سیاسی و اقتصادی قرار داشت. دخالت‌های خارجی و بحران شدید اقتصادی، مانع از شکل‌گیری ثبات سیاسی در این کشور بود و کابینه‌های مشروطه یکی پس از دیگری سقوط می‌کردند. روسیه و انگلستان نیز که بر اساس قرارداد ۱۹۰۷ ایران را بین خود تقسیم کرده بودند، تقریباً حاکم واقعی ایران بودند. از سوی دیگر، موقعیت استراتژیک ایران باعث شده بود که متفقین (روسیه و انگلیس) و متحدین (آلمان و عثمانی) تلاش‌هایی را برای پیوستن ایران به جرگه خود آغاز کنند. سرانجام دولت ایران به خاطر مصون ماندن از آسیب‌های این جنگ و حفظ منافع ملی سیاست بی‌طرفی^۱ را برگزید؛ اما رویکرد جامعه سیاسی ایران نسبت به تصمیم دولت کاملاً متفاوت بود. صرف‌نظر از اینکه اغلب مردم ایران به دلیل ظلم و ستم ناشی از استعمار روسیه و انگلیس از آلمان و عثمانی حمایت می‌کردند؛ در میان احزاب و روشنفکران ایران نیز سه دیدگاه متفاوت وجود داشت: اقلیت دموکرات‌های تندرو خواستار اتحاد با متحدین (آلمان، اتریش، عثمانی، بلغارستان) بودند؛ محافظه‌کاران معتقد به موضع انفعالی بودند تا از این طریق متحدین را همراهی کنند؛ اعتدالیون هم با وجود اینکه همانند دموکرات‌ها از دخالت‌های روسیه و انگلیس برآشفته بودند، در تاکتیک خود محتاط‌تر عمل می‌کردند و معتقد بودند که دشمنی با متفقین، خطر استعمار کامل و تجزیه کشور را در پی دارد.

^۱. پس از اعلام رسمی بیطرفی ایران در ۱۰ آبان ۱۲۹۳ / ۱ نوامبر ۱۹۱۴، ایران از عثمانی و روسیه خواست که نیروهای خود را از مناطق تحت اشغال ایران خارج کرده و بی‌طرفی ایران را بپذیرند. عثمانی حضور نیروهای روسیه در ایران را بهانه کرده و بی‌طرفی ایران را نپذیرفت. روسیه نیز به بهانه حفاظت از جان‌اب‌تبع خود این درخواست را رد کرد (ملائی توانی، بی‌تا: ۶۱-۶۰).

تحركات آلمان و عثمانی و همراهی اکثریت قابل توجهی از افکار عمومی و جامعه سیاسی ایران، به کابوسی بزرگ برای روسیه و انگلستان تبدیل شده بود. هر دو کشور از دست رفتن ایران را ضربه جبران‌ناپذیری به منافع ملی خود می‌دانستند و با همه‌ی توان و امکانات خود با نفوذ آلمان و عثمانی در ایران مبارزه می‌کردند. در این میان، روسیه در کنار دفاع از منافع و امتیاراتی که در ایران بدست آورده بود، با توجه به همجواری با ایران و رویارویی با عثمانی در قفقاز، نگرانی‌های عمیقی از تمایل ایران به سمت آلمان و عثمانی نشان می‌داد؛ چرا که اگر روسیه ایران را به نفع متحدین از دست می‌داد، مرزهایش در قفقاز با خطر جدی مواجه می‌شد و از دست رفتن قفقاز به منزله کشیده شدن جنگ به خاک روسیه بود. این برای کشوری که آرزوی دستیابی به استانبول و تنگه‌های «بسفَر» و «داردافل» را در سر می‌پروراند، غیرقابل پذیرش بود؛ به طوری که هیچ وقت بی‌طرفی ایران را نیز به رسمیت نشناخته و در برابر تحركات آلمان و عثمانی به مداخله نظامی متوسل شد و تا اصفهان نیز پیشروی کرد.

طرح مسائل مربوط به نگرانی‌های روسیه از نفوذ آلمان در ایران، نخست از مطبوعات روسیه شروع شد و بعد از آن به نشریات قفقاز و حتی ایران نیز کشیده شد. یکی از این نشریات که بخش مهمی از مطالب خود را به نگرانی روسیه از نفوذ و تحركات آلمان‌ها در ایران اختصاص داده است، روزنامه آچیق‌سوز (سخن آشکار) بود که در اواخر ۱۹۱۵ به سردبیری محمدمین رسول‌زاده روشنفکر معروف قفقازی در باکو انتشار یافت. هدف از این پژوهش روشن کردن رویکرد اصلی این روزنامه در بازتاب نگرانی‌های روسیه از نفوذ آلمان در ایران، در یکی از مهم‌ترین رویدادهای تاریخ معاصر ایران، یعنی جنگ جهانی اول می‌باشد. بنابراین، پرسش بنیادی تحقیق این است که مهم‌ترین نگرانی‌های روسیه از نفوذ آلمان در ایران کدامند؟ و روزنامه آچیق‌سوز نگرانی‌های روسیه از نفوذ آلمان در ایران را چگونه بازتاب داده است؟ در نوشتار حاضر، این موضوع با روش توصیفی - تحلیلی بررسی می‌شود تا تبیینی از نگرش آچیق‌سوز نسبت به مسأله نگرانی - های روس‌ها از نفوذ آلمان در ایران ارائه شود.

پیشینه پژوهش

تا به امروز هیچ گونه پژوهش اصیل و روشمندی درباره روزنامه آچیق‌سوز صورت نگرفته است. درباره این نشریه، در زبان فارسی حسین آبادیان در کتاب *رسول‌زاده*، فرقه

دموکرات و تحولات معاصر ایران و در بخش مربوط به زندگی نامه رسولزاده، فقط به ذکر نامی از آچیق سوز به عنوان مروج اندیشه‌های ناسیونالیستی رسولزاده بسنده کرده است (آبادیان، ۱۳۷۶: ۱۹)؛ اما، هیچ‌گونه اطلاعاتی از مشخصات و ویژگی‌های این روزنامه و نیز رویکرد آن در قبال نگرانی‌های روسیه از نفوذ آلمان در ایران ارائه نمی‌دهد. بنابراین، برای بررسی پیشینه پژوهش حاضر ناگزیر باید دو مسیر متفاوت را طی کرد: نخست تحقیقات انجام شده در زبان فارسی است که عمدتاً به تحولات ایران در جنگ جهانی اول و نفوذ و رقابت‌های متفقین با متحدین تمرکز دارند، اما از نقش و جایگاه مطبوعات خارجی، مانند روزنامه آچیق سوز در این دوره از تحولات ایران سخنی به میان نیاوردند. از میان تحقیقات فارسی می‌توان به مقالات علیرضا ملائی توانی با عناوین «جنگ جهانی اول، آلمان‌ها و رخنه در ساختار اجتماعی - سیاسی ایران» (۱۳۷۶)، «جایگاه ایران در برنامه نظامی متفقین و متحدین در جنگ جهانی اول» (بی‌تا) و نیز مقاله «مدرس و رویدادهای جنگ جهانی اول در ایران» (۱۳۸۰) اشاره کرد. نویسنده در مقاله اول به تحلیل و بررسی مهم‌ترین پایگاه‌های نفوذ آلمان در ایران مانند حزب دموکرات، روحانیون، ایلات و قبایل و ژاندامری پرداخته است و در مقاله دوم نیز با تبیین اهمیت استراتژیک ایران برای متفقین و متحدین، مهم‌ترین دلایل ورود ایران به جنگ جهانی اول را بررسی کرده است (ملائی توانی، بی‌تا: ۵۶-۵۵). ملائی توانی در مقاله سوم نیز به نقش سید حسن مدرس در تحولات ایران در جنگ جهانی اول پرداخته است. وی هم‌چنین نقش مستوفی در ایجاد «کمیته دفاع ملی» در قم و نیز برخی از سران این کمیته مانند سلیمان میرزا اسکندری را مورد تحلیل و بررسی قرار داده است (ملایی توانی، ۱۳۸۰: ۳۰۷-۳۰۸). از همین دسته آثار، می‌توان به برخی پژوهش‌ها درباره اوضاع مناطق مختلف ایران در جنگ جهانی اول اشاره کرد که در لابه‌لای مطالب خود به رقابت‌های روسیه و آلمان در جنگ اول نیز اشاره دارند. از میان آن‌ها می‌توان به مقاله علیرضا علی‌صوفی و شهرام غفوری (۱۳۹۶) با عنوان «علل و پی‌آمدهای قحطی ناشی از جنگ جهانی اول در همدان» و نیز کتاب مجید فروتن (۱۳۹۰) با عنوان «اوضاع سیاسی - اجتماعی همدان در جنگ جهانی اول» اشاره کرد. اما هیچ یک از این تحقیقات به بازتاب نگرانی روس‌ها از نفوذ آلمان در ایران در روزنامه‌های خارجی مانند آچیق سوز و رویکرد آن‌ها اشاره‌ای نداشتند.

دسته دوم، تحقیقاتی است که به زبان ترکی آذربایجانی دربارهٔ روزنامه آچیق‌سوز انجام شده است و بیشترین تحقیقات را نیز به خود اختصاص داده است. محققان جمهوری آذربایجان، روزنامهٔ آچیق‌سوز را از جهات مختلف مورد تحقیق قرار داده‌اند. اما بر این تحقیقات نیز نقدهای بنیادین وارد است؛ زیرا محققان جمهوری آذربایجان این نشریه را بیشتر با رویکرد ناسیونالیستی مورد بررسی قرار داده‌اند. از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به میرزا بالا محمدزاده اشاره کرد؛ محمدزاده نفر دوم حزب مساوات و از افراد مورد اعتماد رسول‌زاده بود که در سال ۱۹۳۸ در آلمان کتاب *میلی آذربایجان حرکاتی* (جنبش‌های ملی آذربایجان) را به نگارش در آورد. این کتاب اولین تحقیق دربارهٔ روزنامهٔ آچیق‌سوز و رسول‌زاده نیز به شمار می‌رود که در آن نویسنده تلاش دارد تا نقش این روزنامه را در شکل‌گیری اندیشه ناسیونالیسم قومی در بین روشنفکران و مسلمانان قفقاز بررسی کند. اسماعیل‌اف نیز در مقاله‌ای نقش این روزنامه در شکل‌گیری جمهوری آذربایجان در سال ۱۹۱۸ را مورد بررسی قرار داده است. «ناظم جعفر‌اف» و «نسیمان یعقوبلو» نیز بیشتر در پی بررسی نقش آچیق‌سوز در حیات سیاسی و ناسیونالیستی ترک‌های مسلمان قفقاز بودند. طبعاً، اتخاذ چنین رویکردی از سوی محققان جمهوری آذربایجان، باعث تحت‌اشعاع قرار گرفتن مسائل مربوط به تحولات ایران در جنگ جهانی اول که بخش قابل توجهی از مطالب این نشریه را تشکیل می‌داد، شده است.

بدین ترتیب می‌توان گفت که با بررسی پیشینه پژوهشی موضوع، دربارهٔ روزنامهٔ آچیق‌سوز به طور عام و نیز دربارهٔ بازتاب نگرانی‌های روس‌ها از نفوذ آلمان در ایران در جنگ جهانی اول به طور خاص پژوهشی در زبان فارسی صورت نگرفته است و پژوهش حاضر نیز در صدد پرداختن به این موضوع است.

معرفی اجمالی روزنامه آچیق‌سوز

اولین شمارهٔ آچیق‌سوز در ۲ اکتبر ۱۹۱۵ (۹ مهر ۱۲۹۴) به مدیریت محمدعلی رسول‌زاده و سردبیری محمدامین رسول‌زاده در باکو به چاپ رسید. محمدامین رسول‌زاده از روشنفکران قفقاز بود که بخشی از حیات سیاسی و اجتماعی وی با تحولات دوره معاصر ایران نیز گره خورده است. وی در ۳۱ ژانویه ۱۸۸۴ (۲ ربیع‌الثانی ۱۳۰۱) در روستای نوخانی باکو به دنیا آمد و از همان کودکی به سیاست و روزنامه‌نگاری روی آورد. رسول‌زاده در اواخر ۱۹۰۸ و اوایل ۱۹۰۹ برای فرار از تعقیب پلیس تزاری به ایران می‌آید و به

جمع انقلابیون مشروطه می‌پیوندند. او در ایران همزمان با سردبیری روزنامه «ایران‌نو»، مهم‌ترین چهره حزب دموکرات نیز به شمار می‌رفت و همواره از طرفداران استقلال همه‌جانبه ایران بدون دخالت بیگانگان بود که در نهایت با دخالت سفارت روسیه از ایران اخراج شد و به استانبول رفت. رسول‌زاده در استانبول با روشنفکران پان‌ترکیست حزب اتحاد و ترقی عثمانی ارتباط یافت و روز به روز به سمت ناسیونالیسم قومی متمایل شد. رسول‌زاده در سال ۱۹۱۳ به باکو بازگشت و در اواخر ۱۹۱۵ «آچیق سوز» مهم‌ترین روزنامه ناسیونالیستی ترک‌های مسلمان قفقاز و ارگان حزب مساوات را تأسیس کرد. رسول‌زاده سردبیر و در واقع همه‌کاره آچیق‌سوز بود و تقریباً در هر شماره این روزنامه مقاله‌ای از وی چاپ می‌شد. هم‌چنین نویسندگان و روشنفکران بزرگ قفقاز مانند عمرفائق نعمان‌زاده و حسین جاوید با این روزنامه همکاری داشتند (Ashirli, 2009: 112). غیر از محمدعلی رسول‌زاده پسر عموی رسول‌زاده که بیشتر اوقات مدیریت و ناشری روزنامه بر عهده وی بود، افرادی چون اروج قنبر و برادران ابوذرا اروج‌اف نیز هر کدام مدتی مدیریت و نشر این روزنامه را بر عهده داشتند (Ibid: 114).

در زیر عنوان آچیق‌سوز عبارت «روزنامه روزانه سیاسی، اجتماعی و ادبی ترک» نوشته شده بود. رسول‌زاده در اولین شماره این روزنامه، دهشت‌های ناشی از جنگ جهانی اول را نشانه عصر ملّیت می‌داند و از تغییر نقشه‌ی دنیا در آینده نزدیک خبر می‌دهد (روزنامه آچیق‌سوز، ۲ اکتبر ۱۹۱۵، ش ۱: ۱). وی که آچیق‌سوز را به تربیونی برای تبلیغ اندیشه‌های ناسیونالیستی خود تبدیل کرده بود، در همان روزهای اول چاپ این روزنامه، از نیازهای ترک‌های مسلمان قفقاز صحبت می‌کند و آنان را به خودآگاهی ملی فرا می‌خواند (آچیق-سوز، ۹ اکتبر ۱۹۱۵، ش ۶: ۱-۲). آچیق‌سوز یک سال بعد با هدف دستیابی ترک‌ها به استقلال ملی، مبارزه با رژیم تزاری را به صورت آشکار شروع کرد (Yaqublu, 1991: 45). این روزنامه به صورت علمی نماینده یک جریان مدرن پان‌ترکیسم بود که در هر دو عرصه سیاسی و اجتماعی، برنامه‌های آشکاری برای مبارزه داشت (Mohammad Amin Rasulzade, 2013: 27). آچیق سوز به عنوان ارگان حزب مساوات برای اولین بار کلمه «مسلمان» و «تاتار» در قفقاز را با «ترک» عوض کرده و رسول‌زاده در اولین شماره این روزنامه، به صورت رسمی پایان دوره «امت‌گرایی» و شروع دوره ملی‌گرایی را اعلان نمود (Mammadzade, 1992: 52).

در جریان درگیری‌های میان بلشویک‌ها و مساواتیان بر سر تصرف باکو در مارس ۱۹۱۸ (اسفند ۱۲۹۶) فعالیت آچیق‌سوز نیز برای مدت کوتاهی متوقف شد. در اواسط همین سال آچیق‌سوز مجدداً فعالیت خود را از سر گرفت. در این مدت به دلیل عدم حضور رسول‌زاده در باکو، سردبیری روزنامه به عهده «عبدالله شائق» بود. بعد از فتح باکو توسط نیروهای دولت تازه تأسیس جمهوری دموکراتیک آذربایجان در سپتامبر ۱۹۱۸ که با کمک ارتش عثمانی صورت گرفت، فقط بیست و چهار شماره از این روزنامه به چاپ رسید و پس از آن چاپ آچیق‌سوز برای همیشه متوقف شد. در مجموع هفتصد و بیست و چهار شماره از این روزنامه منتشر شده است (Yaqublu, 2013: 165-166) و همه شماره‌های آچیق‌سوز در کتابخانه ملی جمهوری آذربایجان (باکو) موجود است.

نگرانی‌های روسیه از نفوذ آلمان در ایران

جنگ جهانی اول بدون شک مهم‌ترین اخبار محافل مطبوعاتی دنیا را در سال‌های ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ تشکیل می‌داد. محافل سیاسی و مطبوعاتی روسیه نیز نگرانی‌های خاصی نسبت به این جنگ و تحركات سیاسی و نظامی روسیه در برابر دشمنانش داشتند. یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های روس‌ها که در مطبوعات خود نیز بدان اشاره داشتند، ایران و ترس از نفوذ آلمان‌ها در این کشور بود که با منافع روسیه در تضاد بود. کم‌کم این مسأله به محافل روشنفکری و مطبوعاتی قفقاز نیز راه یافت. یکی از روشنفکران قفقاز که توجه جدی به این مسأله داشت، محمدمین رسول‌زاده و روزنامه آچیق‌سوز بود.

توجه رسول‌زاده به مسأله رقابت آلمان و روسیه در ایران و نگرانی روسیه از نفوذ آلمان‌ها در این کشور در وهله اول ناشی از حضور دو ساله وی در ایران و آشنایی کامل او با اوضاع سیاسی و اجتماعی این کشور بود. علاوه بر این، رسول‌زاده دشمنی دیرینه با روسیه داشت و در مدت حضور در ایران، یکی از مخالفان استعمار روسیه در ایران به شمار می‌رفت. هر کدام از این مسائل به درجات در توجه رسول‌زاده به نگرانی روس‌ها از نفوذ آلمان در ایران مؤثر بود.

آچیق‌سوز اولین روزنامه‌ای نبود که به مسأله نفوذ و رقابت قدرت‌های خارجی در ایران می‌پرداخت. «شرق روس» اولین روزنامه ترک‌های مسلمانان قفقاز در اوایل قرن بیستم بود که از نفوذ تجاری روسیه و انگلیس بر ایران و ضرر و زیان ناشی از آن بر مردم ایران صحبت می‌کند (روزنامه شرق روس، ۱۸ مه ۱۹۰۳، ش ۲۰: ۴-۱). پس از

شرق روس و همزمان با باز شدن پای آلمان‌ها به ایران، روزنامه «ارشاد» از شروع رقابت‌های آلمان با روسیه و انگلیس در ایران خبر می‌دهد (روزنامه ارشاد، ۹ نوامبر ۱۹۰۶، ش ۲۶۰: ۴).

همزمان با شروع جنگ جهانی اول نیز نشریاتی مانند «اقبال»، «بصیرت» و «ینی‌اقبال» (اقبال جدید) تحولات ایران در جنگ جهانی اول را بازتاب می‌دادند. مهم‌ترین آن، روزنامه بصیرت بود که به فاصله سه ماه قبل از شروع جنگ جهانی اول انتشار خود را در باکو آغاز کرد. بخش قابل توجهی از مطالب بصیرت را اخبار جنگ جهانی اول و کشمکش‌های متفقین و متحدین از جمله نگرانی روسیه از نفوذ آلمان در ایران تشکیل می‌داد. روزنامه بصیرت به نگرانی‌های محافل روسی از آوردن مقدار زیادی اسلحه توسط اعضای سفارت آلمان به ایران و نیز تحرکات آلمان‌ها در میان قبایل ایران علیه روسیه اشاره می‌کند (روزنامه بصیرت، ۹ مه ۱۹۱۵، ش ۴۴: ۳-۴). بصیرت هم‌چنین به همکاری برخی سران بختیاری مانند صمصام السلطنه با آلمان‌ها در اصفهان و ورود مقدار زیادی سلاح از سوی آلمان‌ها به این شهر اشاره می‌کند (بصیرت، ۱۳ ژوئن ۱۹۱۵، ش ۴۹: ۱). مقالات بصیرت و دیگر نشریات قفقاز درباره تحولات ایران که اکثراً با عنوان «ایران ایشلری» (امورات ایران) چاپ می‌شد، به الگوی رسول‌زاده در روزنامه آچیق‌سوز تبدیل شده بود که به فاصله کمتر از سه ماه پس از قطع همکاری با بصیرت، روزنامه آچیق‌سوز را تأسیس کرد.

آچیق‌سوز تحرکات آلمان و متحدانش در ایران و نگرانی روس‌ها را به دو طریق بازتاب داده است: نخست، تحلیل و گزارش‌های خود روزنامه بخصوص سردبیر آن رسول‌زاده می‌باشد که هرچند به صورت آشکار از آلمان و عثمانی طرفداری نمی‌کند؛ اما از لحن نوشته‌های او و نیز تلاش برای افشای نفوذ همه‌جانبه روس‌ها در ایران، می‌توان دریافت که نظر وی نسبت به همراهی ایران با آلمان مثبت است و در مواردی به صورت غیرمستقیم با آلمان و طرفدارانش همراهی کرده است. مقاله رسول‌زاده به مناسبت شروع به کار سومین کابینه مستوفی در مجلس سوم تأییدی بر این مدعا است: «دلیل اصلی نامگذاری کابینه مستوفی الممالک به کابینه استقامت، این است که این کابینه برخلاف کابینه سپهدار تابع سیاست روس و انگلیس نبوده و سعی می‌کرد که ایران را از حوزه نفوذ روس و انگلیس براساس قرارداد ۱۹۰۷ خارج کند. به همین خاطر مخفیانه با آلمان‌ها وارد مذاکره شد... عجباً آیا مستوفی الممالک الان نیز می‌تواند سیاست استقامت خود را

تحلیلی بر نگرانی روس‌ها از نفوذ آلمان در ایران در جنگ ... | ۸۹

پیش برده و ایران را در این اوضاع بحرانی علیه روس و انگلیس سوق دهد؟» (آچیق‌سوز، ۳۰ اکتبر ۱۹۱۵، ش ۲۴: ۲). آچیق‌سوز در این امر با فشار و سخت‌گیری اداره سانسور نیز مواجه می‌شد؛ به عنوان نمونه می‌توان به مقاله‌ای از رسول‌زاده اشاره کرد که در آن، از تغییر کابینه ایران و آمدن فرمانفرما به جای مستوفی الممالک صحبت به میان آمده است و هنگامی که از روس و انگلیس پرستی فرمانفرما و وزیران آن صحبت می‌کند، اداره سانسور بقیه مطالب وی را حذف و جای آن را خالی می‌گذارد (آچیق‌سوز، ۱۸ دسامبر ۱۹۱۵، ش ۶۴: ۲).

دوم، بازتاب نگرانی‌های روسیه از نفوذ و تحرکات آلمان در ایران از زبان روزنامه‌های روسی است که از شرایط مساعدتری نسبت به آچیق‌سوز در تجزیه و تحلیل مسائل مربوط به ایران برخوردار بودند. فشار شدید اداره سانسور به آچیق‌سوز اجازه نمی‌داد که عمق نفوذ روسیه در ایران را آشکار کند و یا موضع صریح‌تری نسبت به آلمان و عثمانی در پیش گیرد (همانجا)؛ بنابراین اکثر مطالب خود درباره نفوذ روسیه در ایران و نگرانی این کشور از تحرکات آلمان در ایران را از این روزنامه‌های روسی گرفته است تا در مظان اتهام قرار نگیرد. از منظر نگاه این روزنامه، مهم‌ترین شیوه‌های نفوذ آلمان به شرح ذیل بود:

الف) نفوذ آلمان در ساختار سیاسی - اجتماعی ایران

در بین نگرانی‌های روس‌ها از نفوذ آلمان در ایران، مسأله نفوذ آلمان در ساختار سیاسی و اجتماعی ایران بیش از هر موضوعی توجه آچیق‌سوز را به خود جلب کرده بود. آچیق‌سوز در مواجهه با این مسئله، ضمن آسیب‌شناسی نفوذ آلمان در ساختار سیاسی و اجتماعی ایران، از همراهی غیرمستقیم با آلمان‌ها و طرفداران آن‌ها نیز ابایی نداشت. از دیدگاه آچیق‌سوز، روس‌ها در کنار تمایل بخش قابل توجهی از ایرانیان به آلمان‌ها که بزرگترین نگرانی این کشور را تشکیل می‌داد (آچیق‌سوز، ۲۲ نوامبر ۱۹۱۵، ش ۴۱: ۱)، از نفوذ آلمان در ساختار حاکمیتی ایران نیز به هراس افتاده بودند. در این میان، تحرکات آلمان‌ها و تمایل برخی از رجال جامعه سیاسی ایران نیز باعث شده بود که روسیه حتی به طرفداران سنتی خود نیز با شک و شبهه نگاه کند. در همین راستا محافل روسی حکومت ایران را متهم می‌کنند که نه تنها هیچ اقدامی علیه آلمان و عثمانی انجام نمی‌دهد، بلکه در اوج تحرکات آلمان‌ها در ایران که از آن به عنوان «تحرکات خونین» یاد می‌کنند، از روسیه نیز می‌خواهد که نیروهایش را از ایران خارج کند (آچیق‌سوز، ۲۶ اکتبر ۱۹۱۵،

ش ۲۰: ۲). روس‌ها هم‌چنین ایران را متهم می‌کردند که هیچ توجهی به فرار و سرگردانی دیپلمات‌های روسی و نیز کشتار نظامیان انگلیسی توسط آلمان‌ها نمی‌کند و هشدار می‌دهند که هرگونه تأخیر در جلوگیری از تحرکات آلمانها در ایران، باعث خواهد شد که آلمان‌ها جا پای خود را در ایران محکم کنند (همانجا)؛ به همین خاطر معتقدند که به منظور جلوگیری از تشویشات آلمان و عثمانی در ایران، قبل از هر چیز باید به حکومت ایران تکلیف شود که بدون تأخیر نمایندگان سیاسی آلمان، عثمانی و اتریش را از ایران اخراج کند. در غیر این صورت روسیه و انگلستان خود وارد عمل شوند (آچیق‌سوز، ۳۰ اکتبر ۱۹۱۵، ش ۲۴: ۱-۲).

به نوشته آچیق‌سوز، روس‌ها به احمدشاه نیز با وجود سرسپردگی کامل به روس و انگلیس بدگمان شده و او را به طرفداری از آلمان متهم می‌کنند: «شاه ایران [احمدشاه] حکمرانی است که از طرف دیپلمات‌های روس و انگلیس تعیین شده است. ما او را با تعلیم و تحصیل سالمی باسواد کردیم. به همین خاطر روسیه حق دارد که از شاه جوان انتظار علائق دوستانه داشته باشد؛ این در حالی است که بعد از به تخت نشستن تمایل خود را به سیاست آلمان نشان داد» (آچیق‌سوز، ۱۰ نوامبر ۱۹۱۵، ش ۳۱: ۱-۲).

با وجود اذعان روس‌ها به سرسپردگی همه کابینه‌های ایران از آن‌ها، بعضی از کابینه‌ها مانند کابینه‌های مستوفی الممالک با توجه به سابقه مقاومت در برابر روس و انگلیس، باعث نگرانی آن‌ها می‌شدند. آچیق‌سوز با تمجید از مستوفی الممالک، وی را از جمله رجال وطن‌پرستی می‌داند که همیشه منافع ملی را بر منافع حزبی و گروهی ترجیح می‌دهد (آچیق‌سوز، ۳۰ اکتبر ۱۹۱۵، ش ۲۴: ۱-۲). مستوفی از سپتامبر ۱۹۱۵ تا نوامبر ۱۹۱۵ با آلمان‌ها وارد مذاکره شد و با آن‌ها به همکاری پرداخت. او با نزدیک شدن روس‌ها به تهران، با هماهنگی پرنس هانریش فون رویس (Heinrich Von Reuss) وزیر مختار آلمان در ایران، تصمیم به انتقال پایتخت به اصفهان گرفت و شاه را نیز با خود همراه کرد. وی هم‌چنین در مهاجرت روسای حزب دموکرات به قم نیز دست داشت (سپهر، ۱۳۳۶: ۲۴۰-۲۳۷). این گونه اقدامات مستوفی باعث شده بود که محافل مطبوعاتی روسیه نیز رضایت و خوشحالی خود را از سقوط کابینه مستوفی و آمدن افرادی مانند فرمانفرما و علاء السلطنه مخفی نکنند (آچیق‌سوز، ۲۵ دسامبر ۱۹۱۵، ش ۶۹: ۲).

^۱ البته روس‌ها در مواردی از عملکرد کابینه فرمانفرما نیز نارضایتی خود را نشان می‌دادند. آن‌ها از کابینه فرمانفرما به خاطر اینکه با وجود فراق‌های روسی از سواران بختیاری به منظور حفظ نظم و آسایش در

تحلیلی بر نگرانی روس‌ها از نفوذ آلمان در ایران در جنگ ... | ۹۱

تأخیر دولت ایران نیز در مذاکره با متفقین درباره‌ی خواسته‌های خود از این کشورها در قبال اتخاذ موضع بی‌طرفی، به نگرانی‌های روسیه بیشتر دامن می‌زد. آپچیک‌سوز به مناسبت مذاکره مستوفی با روسیه و انگلیس در این باره، به سابقه درخشان مستوفی در برابر زیاده-خواهی‌های روس و انگلیس اشاره و می‌نویسد که مستوفی الممالک سعی می‌کرد که ایران از حوزه نفوذ روسیه و انگلستان براساس قرارداد ۱۹۰۷ خارج کند و آوردن مورگان شوستر آمریکایی را نیز در همین راستا توصیف می‌کند (آپچیک‌سوز، ۳۰ اکتبر ۱۹۱۵، ش ۲۴: ۱-۲). آپچیک‌سوز در این مقاله به صورت غیرمستقیم مستوفی را به ایستادگی در برابر روس و انگلیس دعوت می‌کند.

آپچیک‌سوز هم‌چنین مسائلی مانند لغو قرارداد ۱۹۰۷ و تغییر در تعرفه‌های گمرگی ناعادلانه توسط روس و انگلیس را از جمله مهم‌ترین اولویت‌های ایران در این مذاکرات ارزیابی می‌کند (آپچیک‌سوز، ۱۵ نوامبر ۱۹۱۵، ش ۳۵: ۲). رسول‌زاده نیز دو هفته بعد، با اشاره به خطرات احتمالی این تأخیر به منافع روس و انگلیس در ایران، می‌نویسد که شاه ایران می‌خواهد از این فرصت استفاده کرده تا لغو قرارداد ترکمنچای را از روسیه بخواهد. او تأکید می‌کند که مسلماً آلمان و متحدانش از این تأخیر ایران استفاده و این کشور را به سوی خود جلب خواهند کرد. رسول‌زاده در نهایت علت اصلی تأخیر ایران را در این می‌داند که این کشور هنوز به طور کامل از کمیته دفاع ملی و سیاست‌های آلمان و عثمانی ناامید نشده است (آپچیک‌سوز، ۲۸ نوامبر ۱۹۱۵، ش ۴۷: ۲). رسول‌زاده در این مقاله نیز قصد دارد به طور غیرمستقیم طرفداران آلمان و عثمانی را به استفاده از این فرصت و گرفتن امتیازات از دست رفته از روسیه دعوت کند.

به نوشته‌ی آپچیک‌سوز، محافل روسی هم‌چنین از افرادی که زمانی با پول روس و انگلیس حمایت و محافظت می‌شدند و اکنون به طرف آلمان و عثمانی کشیده شده بودند، نازاضی و از انزوای طرفداران صادق روسیه مانند سالارالدوله و شجاع‌الدوله انتقاد می‌کردند (آپچیک‌سوز، ۱۰ نوامبر ۱۹۱۵، ش ۳۱: ۱-۲). با این حال، اذغان داشتند که تمایل ایران به آلمان ناشی از قدرت و نفوذ بیشتر آلمان در ایران است و میل این کشور نیز همانند

اطراف تهران استفاده کرده، انتقاد کرده و این گونه اقدامات کابینه ایران را نوعی بی‌اعتمادی به روس و انگلیس تلقی می‌کردند. روس‌ها معتقد بودند که کابینه ایران با این گونه اقدامات ممکن است به نیروهای روسی نیز که در حال نزدیک شدن به تهران به منظور کمک به این کشور می‌آیند نیز با شک و شبهه نگاه کند (آپچیک‌سوز، ۴ دسامبر ۱۹۱۵، ش ۵۳، ۲).

بلغارستان به سمت نیروی قوی‌تر و بیشتر طبیعی است؛ بنابراین، بهترین راه برای جلوگیری از تمایل ایران به آلمان را وجود یک نیروی منسجم و شکست‌ناپذیر روسی در ایران می‌دانستند تا دولت‌هایی همانند دولت مستوفی‌الممالک با پی بردن به نیروی روسیه به آلمان‌ها نزدیک نشده و به گناه آلوده نشوند (آچیق‌سوز، ۲۵ اکتبر ۱۹۱۵، ش ۱: ۱۹).

افزون بر این، باید به همکاری جمعی از سران حزب دموکرات با آلمان‌ها نیز اشاره کرد. سلیمان میرزا اسکندری، وحیدالملک شیبانی، محمدخان کلوپ (فرزین) و سید جلیل اردبیلی از اعضای شاخص این حزب، با فن کاردف از مأموران برجسته سفارت آلمان به طور مداوم در تماس بودند (ملائی توانی، ۱۳۷۶: ۳۱). فن کاردف هم‌چنین با وجود مخالفت روسیه و انگلستان، نقش مهمی در افتتاح مجلس سوم داشت که دموکرات‌ها در آن اکثریت داشتند (سپهر، ۱۳۳۶: ۴۷). در دیدگاه آچیق‌سوز، روس‌ها از همکاری حزب دموکرات با آلمان و فعالیت‌های سفرای آلمان و عثمانی در اصفهان و قم به شدت واهمه داشتند؛ به همین خاطر علی‌رغم درخواست دولت ایران به نیروهایش که تا قرچک پیش آمده بودند، دستور عقب‌نشینی ندادند (آچیق‌سوز، ۱۳ نوامبر ۱۹۱۵، ش ۲: ۳۴).

نگرانی روسیه بی‌مورد نبود؛ زیرا یک هفته نگذشت که ۳۰ تن از نمایندگان دموکرات‌ها در مجلس، به رهبری سلیمان میرزا به قم مهاجرت کردند. سلیمان میرزا یکی از شاخص‌ترین اعضای کمیته «دفاع ملی» به شمار می‌رفت که با همکاری آلمان و عثمانی اداره این کمیته را بر عهده داشت که خشم محافل روسی را در پی داشت (آچیق‌سوز، ۱۹ نوامبر ۱۹۱۵، ش ۲: ۳۹). آچیق‌سوز هم‌چنین به فاصله چند روز پس از تشکیل کمیته دفاع ملی در قم، در مقاله مفصلی به شرح و حال سلیمان میرزا پرداخته و ضمن برشمردن اقدامات و فعالیت‌های وی در حزب دموکرات و جامعه سیاسی ایران، از وی با تعریف و تمجید زیادی یاد می‌کند (آچیق‌سوز، ۲۲ نوامبر ۱۹۱۵، ش ۱: ۴۱).

گفتنی است با وجود اینکه آلمان و عثمانی تلاش زیادی برای نفوذ در ساختار سیاسی و اجتماعی ایران و کشاندن این کشور به جنگ علیه روسیه و انگلیس داشتند؛ اما در نگاه آچیق‌سوز، عملکرد خود آلمان و عثمانی نیز در قبال ایران ابهام‌برانگیز بود؛ زیرا این کشورها هیچ سندی دال بر به رسمیت شناختن استقلال سیاسی و ارضی ایران به دولت ایران تحویل نداده و فقط در زبان از آن صحبت می‌کردند (آچیق‌سوز، ۶ دسامبر ۱۹۱۵، ش ۲: ۵۴)؛ به همین دلیل، مقامات حکومتی ایران تأکید داشتند که تا زمانی که آلمان طی

تحلیلی بر نگرانی روس‌ها از نفوذ آلمان در ایران در جنگ ... | ۹۳

قراردادی کمک‌های خود را به ایران تضمین ننماید، ایران نیز همچنان بر موضع بی‌طرفی خود پایبند خواهد ماند (لیتن، ۱۳۶۸: ۲۹۱).

ب) تحرکات آلمان در همدان و کرمانشاه

آچیق‌سوز دربارهٔ تحرکات آلمان‌ها در غرب ایران نیز مطالب محدودی منعکس کرده است. آلمان‌ها از همان آغاز تحرکات مسلحانه خود در غرب کشور، به اهمیت موقعیت کرمانشاه برای متحدین پی برده بودند؛ کرمانشاه به دلیل نزدیکی به بغداد و عثمانی نمی‌توانست برای آلمان‌ها که در صدد ایجاد راه ارتباطی برلین-بغداد بودند، بی‌اهمیت باشد. ویلهلم لیتن سرکنسول آلمان در تبریز نیز در جریان انتقال احتمالی پایتخت از تهران به اصفهان، تأکید داشت که پایتخت از تهران به کرمانشاه انتقال یابد (همان، ۲۹۰). پس از ورود نیروهای روسی به فرماندهی ژنرال باراتوف به مناطق مرکزی ایران و اشغال قم و اصفهان، طرفداران آلمان و عثمانی و اعضای کمیته‌ی دفاع ملی به کرمانشاه آمده و در آنجا دولت ملی به ریاست نظام‌السلطنه مافی تشکیل دادند. آچیق‌سوز نیز به صورت غیر مستقیم از دولت ملی در کرمانشاه و آلمان‌ها حمایت می‌کند؛ در همین راستا؛ رسول‌زاده در مقاله‌ای فتح قم از سوی روس‌ها و پایان کار طرفداران آلمان و عثمانی در این شهر را به معنای پایان کار آن‌ها نمی‌داند. چرا که به گفته وی قبل از شروع جنگ، بعضی از اعضای حزب دموکرات به همراه عوامل آلمان و عثمانی، برخی اقدامات به منظور تخلیه شهر را انجام داده بودند و آن‌ها به محض دریافت کمک از سوی عثمانی، جنگ اصلی را در کرمانشاه شروع خواهند کرد (آچیق‌سوز، ۱۱ دسامبر ۱۹۱۵، ش ۵۹: ۲).

پس از تشکیل دولت ملی در کرمانشاه، آلمان‌ها نیز فعالیت خود را در این شهر متمرکز کرده و تلاش می‌کردند که کرمانشاه را به یک منطقه امنی برای خود تبدیل کنند؛ به همین دلیل کرمانشاه و مناطق مجاور آن، از جمله همدان، برای آلمان‌ها حیاتی به شمار می‌رفت. آچیق‌سوز با تأکید بر اهمیت استراتژیک کرمانشاه برای آلمان‌ها از زبان رویس سفیر آلمان (آچیق‌سوز، ۲۹ اکتبر ۱۹۱۵، ش ۲۳: ۲)، مهم‌ترین وظیفه شونمان کنسول آلمان در همدان را جلوگیری از هجوم روسیه و انگلیس به کرمانشاه قلمداد می‌کند (همانجا). آچیق‌سوز می‌نویسد که شونمان اکثر قبایل منطقه همدان و کرمانشاه را به سمت آلمان‌ها متمایل کرده و با گردآوردن نیروهایی در اطراف سلطان آباد، کنسول‌گری‌های روسیه و انگلیس را تهدید به خروج از همدان می‌کند (همانجا). در نظر آچیق‌سوز، این گونه تحرکات آلمان‌ها باعث شد که روسیه نیز به اهمیت کرمانشاه در مقابله با آلمان و عثمانی پی برده

و تصرف آن را در دستور کار خود قرار دهد (آچیق‌سوز، ۷ دسامبر ۱۹۱۵، ش ۵۵: ۱-
(۲).

ج) استفاده آلمان‌ها از حربۀ پان‌اسلامیسم

یکی از مهم‌ترین مسائلی که آچیق‌سوز در موضوع نگرانی روس‌ها از نفوذ آلمان در ایران با آن مواجه بوده و در این روزنامه بازتاب یافته بود، استفاده آلمان‌ها از حربۀ پان‌اسلامیسم است. اتحاد اسلام یا پان‌اسلامیسم یکی از جریان‌های مهم سیاسی و دینی در قرن نوزدهم در عثمانی به شمار می‌رفت که در میان جامعه سیاسی و دینی ایران نیز طرفداران زیادی داشت. پس از پیوستن عثمانی به آلمان در جنگ جهانی اول، آلمان در صدد برآمد تا از این حربه نیز علیه متفقین استفاده نمایند. آن‌ها تلاش می‌کردند از توانایی مردم و علمای ایران به عنوان دومین کشور بزرگ جهان اسلام بعد از عثمانی بهره‌برداری کرده تا بتوانند مسلمانان سایر کشورها را نیز علیه روسیه و انگلیس متحد کنند. در نظر آچیق‌سوز، فعالیت‌های آلمان حول محور اتحاد اسلام غیر از کشورهایمانند ایران و هند، به آسیای مرکزی یعنی مرزهای روسیه نیز رسیده بود؛ روس‌ها نیز نمی‌توانستند نسبت به تلاش‌های دیپلمات‌های آلمانی در تشکیل اتحادی از مسلمانان آسیای مرکزی علیه روسیه بی‌تفاوت باشند (آچیق‌سوز، ۲۵ اکتبر ۱۹۱۵، ش ۱۹: ۱).

آلمان‌ها هم‌چنین با ارسال مقدار زیادی اسلحه به ایران، از شورش و عصیان قریب الوقوع مسلمانان هند نیز صحبت می‌کردند. آن‌ها با این اقدامات، توانستند حمایت علمای بزرگی مانند آیت الله حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی را بدست آورند که مردم را به جهاد علیه روسیه و انگلیس فرا می‌خواندند (همانجا؛ آچیق‌سوز، ۲۷ اکتبر ۱۹۱۵، ش ۲۱: ۲). نیدرمایر نیز توانست روحانیون اصفهان را به دشمنی با روسیه و انگلیس تحریک کند (نیدرمایر، ۱۳۶۳: ۷۵). آچیق‌سوز می‌نویسد که اعزام مبلغان از سوی آلمان و عثمانی به ایران نیز تحت عنوان اتحاد اسلام صورت می‌گرفت؛ این مبلغان با لباس درویشی در شهرهای مختلف، ایرانیان را به جهاد علیه روس و انگلیس و اتحاد با آلمان فرا می‌خواندند و در این امر موسسه‌هایی مانند شرکت اسلامیه نیز با آنان همکاری داشتند (آچیق‌سوز،

تحلیلی بر نگرانی روس‌ها از نفوذ آلمان در ایران در جنگ ... | ۹۵

۲۵ دسامبر ۱۹۱۵، ش ۶۹: ۲). این مبلغان با پخش رساله‌ها و بیانیه‌هایی در میان دسته‌های مسلح آلمان و عثمانی، روسیه را به شدت نگران کرده بودند (همانجا).
مبلغان هم‌چنین قبایل ایران را نیز با پول به سمت خود متمایل کرده و آنان را به جهاد علیه روس و انگلیس فرا می‌خواندند. چیزی که به نگرانی محافل روسی بیشتر دامن می‌زد، این بود که در میان پول‌های خرج شده آلمان که بخش قابل توجهی از آن به شکل طلا بود، طلاهای روسی نیز به چشم می‌خورد (آچیق‌سوز، ۱۵ اکتبر ۱۹۱۵، ش ۱۱: ۳).
آچیق‌سوز میزان هزینه‌ی آلمان برای نفوذ در ایران را ۱۲ میلیون مارک می‌داند و از اینکه کابینه فرمانفرما بتواند با این همه نفوذ آلمان در ایران مقابله کند، تردید می‌کند (آچیق‌سوز، ۲۵ دسامبر ۱۹۱۵، ش ۶۹: ۲).

گفتنی است که نزدیکی ایران و عثمانی نیز بر محور پان‌اسلامیسم برای روسیه نگران کننده بود. به عقیده روس‌ها سفر فوزی بیگ فرستاده ویژه انور پاشا به ایران و اهداء یک جلد قرآن به همراه یک تاپانچه به شاه ایران (احمدشاه) در کنار بازگشت ده تن از جوانان ایرانی به وطنشان که در مدارس نظامی استانبول آموزش دیده بودند، برای روسیه خطرناک است؛ چرا که به عقیده‌ی آنان، اهداء قرآن نشانه اتحاد اسلام یا پان‌اسلامیسم، تاپانچه، نشانه جهاد و بازگشت جوانان ایرانی از مدارس نظامی استانبول نشانه مجاهدین اسلام است (آچیق‌سوز، ۲۹ اکتبر ۱۹۱۵، ش ۲۳: ۲).

د) همکاری ژاندارمری با آلمان

فعالیت ژاندارمری در ایران و همکاری آن با آلمان‌ها یکی دیگر از نگرانی‌های روسیه از منظر روزنامه آچیق‌سوز به شمار می‌رفت. ژاندارمری که در اواخر ۱۲۹۰ شمسی / ۱۳۲۹ ق. توسط سوئدی‌ها تشکیل شده بود، بتدریج جای قراقخانه روسی را گرفته و به عنوان مهم‌ترین نیروی تأمین امنیت در ایران شناخته می‌شد. با آغاز جنگ جهانی اول آلمان‌ها به منظور نفوذ در ایران با ژاندارم‌ها نیز به مذاکره پرداخته و آن‌ها را به سمت خود متمایل کردند. مدتی نگذشت که آلمان‌ها از بحران مالی ژاندارمری که در نتیجه سختگیری مأموران بلژیکی گمرک و کارشکنی‌های روسیه و انگلیس بر درآمدهای آن بوجود آمده

^۱. در این رساله‌ها به نقض استقلال و تمامیت ارضی ایران توسط روسیه و انگلیس و نیز به ظلم و ستم انگلیس در حق مسلمانان هند و مصر تأکید شده بود. از جمله این رساله‌ها می‌توان به «نصیحتنامه»، «جهاد»، «جنگ» و «آلمان‌ها و جهان اسلام» اشاره کرد (آچیق‌سوز، ۲۵ دسامبر ۱۹۱۵، ش ۶۹: ۲).

۹۶ | مطالعات تاریخی جنگ، شماره ۵ |

بود، استفاده کرده و تعداد زیادی از افسران ژاندارمری را به استخدام خود در آوردند (ملائی توانی، ۱۳۷۶: ۳۷-۳۸).

با شروع تحرکات مسلحانه آلمان‌ها در ایران، بخشی از نیروهای ژاندارمری به منظور اتحاد با آلمان و عثمانی در همدان استقرار یافتند (آچیق‌سوز، ۲۲ نوامبر ۱۹۱۵، شماره ۴۱: ۱). پس از آن تحرکات ژاندارمری و همکاری آن با آلمانها در کانون توجه آچیق‌سوز قرار داشت. به نوشته آچیق‌سوز، روسها ژاندارم‌ها را به همکاری با آلمان‌ها در انتقال توپ و تفنگ به ایران متهم می‌کردند (آچیق‌سوز، ۱۰ نوامبر ۱۹۱۵، ش ۳۱: ۱-۲). روس‌ها هم‌چنین نگران عزل فرماندهان ژاندارمری طرفدار روسیه نیز بودند؛ آچیق‌سوز می‌نویسد که محافل روسی عزل کلنل «ادوال» از فرماندهان ژاندارمری توسط حکومت ایران و آمدن «نیسترم» به جای وی را تحت تأثیر اقدامات عوامل آلمان و عثمانی قلمداد می‌کنند (آچیق‌سوز، ۲۳ دسامبر ۱۹۱۵، ش ۶۸: ۲).

آچیق‌سوز هم‌چنین می‌نویسد که ژاندارم‌ها با کابینه‌ها و مقامات طرفدار روسیه مانند کابینه شاهزاده فرمانفرما که پسرش در ارتش روسیه علیه آلمان می‌جنگید، به شدت مخالفت می‌کردند (همانجا). نفوذ مأموران سوئدی ژاندارمری در ایران از دید آچیق‌سوز به حدی بود که یکی از مأموران عادی ژاندارمری به فرمانفرما اولتیماتوم می‌دهد که یا باید بدون تأخیر از ایران خارج و به بهانه استراحت به اروپا سفر کنی و یا اینکه به همدان بیایی و فرماندهی نیروهای مخالف روس و انگلیس را به عهده‌گیری در غیر این صورت همه املاک وی در جنوب و غرب ایران از سوی ژاندارمری ضبط و غارت خواهد شد (آچیق‌سوز، ۲۲ نوامبر ۱۹۱۵، ش ۴۱: ۱).

اشتباهات روسیه عامل نفوذ آلمان در ایران

محافل روسی در تمایل ایران به دشمنان روسیه یعنی آلمان و عثمانی به برخی از جنبه‌های نفوذ ناکارآمد و نیز اشتباهات و سهل‌انگاری روسیه اشاره و از آن انتقاد می‌کردند. آچیق‌سوز هم که نمی‌توانست مستقیماً از نفوذ و اقدامات استعماری روسیه در ایران انتقاد کند، این گونه مطالب را به اهداف خود نزدیک دیده و در موارد متعددی عیناً آن‌ها چاپ می‌کرد.

روسها یکی از مهم‌ترین دلایل ضعف نفوذ روسیه در دربار ایران و رخنه آلمان‌ها در ساختار سیاسی و اجتماعی ایران را رفتن اسمیرنوف معلم روسی احمدشاه از دربار و نیز

تحلیلی بر نگرانی روس‌ها از نفوذ آلمان در ایران در جنگ ... | ۹۷

بی‌توجهی به قزاقخانه می‌دانستند و از آن انتقاد می‌کردند: «معلم روسی شاه را با کمال جدیت از شاگردش جدا کردند؛ کار به جایی رسید که اسمیرنوف معلم شاه رفتن به جبهه جنگ را به معلمی شاه در تهران ترجیح داد. چه کسی وجود قزاقخانه مشهور روسی را بی‌ثمر به حساب آورد تا در عوض آن ژاندارمری سوئدی‌ها قوت گیرد؟ تحت حمایت این ژاندارمری بود که مورگان شوستر آمریکایی کار خود را شروع کرد» (آچیق‌سوز، ۱۰ نوامبر ۱۹۱۵، ش ۳۱: ۱-۲).

آن‌ها هم‌چنین نفوذ روسیه در حوزه مالی ایران را نیز ناکارآمد دانسته و با اشاره به ضعف مدیریتی روسیه در این زمینه، هشدار می‌دهند که حتی بانک استقراضی نیز ممکن است سرمایه خود را در ایران به باد دهد و در ادامه به دیگر جنبه ضعف روسیه در رقابت با آلمان در ایران نیز اشاره می‌کنند: «در حالی که ما برای تاجران بی‌اعتبار ایرانی میلیونی خرج می‌کنیم، ولی به منظور رقابت با یک گمنامزای [مدرسه آلمانی] آلمانی یک مدرسه روسی بوجود نیاوردیم» (همانجا). در واقع می‌توان گفت که یکی از مهم‌ترین اهداف آچیق‌سوز در بازتاب اذعان روس‌ها به اشتباهات خود در قبال ایران، چیزی جز افشای ماهیت نفوذ استعماری روس‌ها در ایران نبود.

جنایت روس‌ها در تبریز در حق ثقه‌الاسلام مجتهد بزرگ این شهر و اعدام وی در روز عاشورا و هم‌چنین اقدامات روسیه در مشهد و گلوله باران بارگاه امام رضا (ع) از دیگر اشتباهات روسیه بود که بازتاب زیادی در آچیق‌سوز داشت؛ در نتیجه این گونه اقدامات روسها ضمن تحریک احساسات دینی ایرانیان، زمینه نزدیکی ایران با عثمانی از متحدان آلمان نیز بوجود آمد (همانجا). از دیگر اشتباهاتی که روس‌ها بدان اذعان داشتند، قرارداد ۱۹۰۷ و تأثیر منفی آن بر اوضاع ایران بود. مطبوعات روسی یکی از دلایل اصلی آشفته‌گی ایران را قرارداد ۱۹۰۷ و اجرای سیاست‌های ناشی از آن، از سوی روسیه و انگلیس می‌دانستند؛ به اعتقاد آن‌ها قرارداد ۱۹۰۷ در خیلی از موارد با پیشرفت ایران سازگار نیست و حتی در مواقعی باعث تشدید تنش‌های داخلی ایران نیز شده است (آچیق‌سوز، ۲۳ اکتبر ۱۹۱۵، ش ۱۸: ۲). این گونه اعترافات که همسو با اهداف و رویکرد آچیق‌سوز و سردبیر آن رسول‌زاده درباره تحولات ایران بود، جایگاه خاصی در آچیق‌سوز داشت و در کانون توجه آن قرار گرفت؛ زیرا رسول‌زاده همواره یکی از مخالفان قرارداد ۱۹۰۷ و تقسیم ایران توسط روسیه و انگلیس بود (Rasulzade Asarlari, 2012: III/ 485-487).

دخالت سفرای روس و انگلیس در امور داخلی ایران نیز یکی دیگر از اقدامات اشتباه روس و انگلیس به شمار می‌رفت که توجه آچیق‌سوز را به خود جلب کرده بود؛ زیرا زمانی که کابینه‌های ایران رضایت و توجه سفارتخانه‌های روس و انگلیس را به خود جلب می‌کردند، رضایت مجلس را از دست می‌دادند و اگر رضایت مجلس را بدست می‌آوردند، از جلب رضایت سفارتخانه‌های روس و انگلیس عاجز می‌ماندند (آچیق‌سوز، ۲۳ اکتبر ۱۹۱۵، ش ۱۸: ۲).

نتیجه‌گیری

از مباحثی که مطرح شد، چنین مشخص می‌شود که حضور رسول‌زاده در ایران و آشنایی با اوضاع سیاسی و اجتماعی این کشور و نیز دلبستگی به حزب دموکرات که زمانی از بزرگ‌ترین نظریه‌پردازان آن به شمار می‌رفت، در کنار دشمنی با روسیه، باعث توجه روزنامه آچیق‌سوز به مسأله نگرانی‌های روس‌ها از نفوذ آلمان در ایران در جنگ جهانی اول شده بود. آچیق‌سوز در تجزیه و تحلیل مسائل مربوط به نگرانی‌های روسیه از نفوذ آلمان در ایران رویکرد بی‌طرفانه‌ای نداشت و دو هدف اساسی را دنبال می‌کرد: اول، افشای سیاست استعماری روس‌ها در ایران بود که آچیق‌سوز در تبیین نگرانی‌های روس - ها از نفوذ آلمان در ایران، با وجود سخت‌گیرهای اداره سانسور، مستقیم یا غیرمستقیم از هیچ تلاشی در افشای ماهیت نفوذ استعماری روس‌ها در ایران فروگذار نمی‌کرد. دوم، حمایت غیر مستقیم از آلمان‌ها و طرفداران آن‌ها در ایران بود و در این هدف خود نیز با تبیین و آسیب‌شناسی مسائلی، مانند نفوذ آلمان‌ها در ساختار سیاسی - اجتماعی ایران و تحریکاتشان در مناطق مرکزی و غرب ایران و نیز موضع دموکرات‌ها در همراهی با آلمان‌ها به صورت غیر مستقیم از طرفداران آلمان‌ها در ایران حمایت می‌کرد.

فهرست منابع و مآخذ

- آبادیان، حسین (۱۳۷۶). *رسول‌زاده، فرقه دموکرات و تحولات معاصر ایران*، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- سپهر، احمدعلی (۱۳۳۶). *ایران در جنگ بزرگ ۱۹۱۸-۱۹۱۴*، تهران: انتشارات بانک ملی ایران.
- لیتن، ویلهلم (۱۳۶۸). *خاطرات ویلهلم لیتن، ترجمه پرویز صدری*، تهران: نشر ایران‌شهر.
- ملائی توانی، علیرضا (۱۳۷۶). «جنگ جهانی اول، آلمان‌ها و رخنه در ساختار اجتماعی-سیاسی ایران»، *تاریخ معاصر ایران*، شماره ۳، سال اول.
- ملائی توانی، علی‌رضا (۱۳۸۰). «مدرس و رویدادهای جنگ جهانی اول در ایران». *پژوهشنامه متین*، شماره ۱۰.
- ملائی، علیرضا (بی‌تا). «جایگاه ایران در برنامه نظامی متحدین و متفقین در جنگ جهانی اول». *مجله ۱۵ خرداد*، شماره ۲۳، سال پنجم.
- نیدرمایر، اسکارفن (۱۳۶۳). *زیر آفتاب سوزان ایران*. ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: نشر تاریخ ایران.
- روزنامه آچیق سوز، شماره ۱، (۲ اکتبر ۱۹۱۵).
- آچیق سوز، شماره ۶، (۹ اکتبر ۱۹۱۵).
- آچیق سوز، شماره ۱۱، (۱۵ اکتبر ۱۹۱۵).
- آچیق سوز، شماره ۱۸، (۲۳ اکتبر ۱۹۱۵).
- آچیق سوز، شماره ۱۹، (۲۵ اکتبر ۱۹۱۵).
- آچیق سوز، شماره ۲۰، (۲۶ اکتبر ۱۹۱۵).
- آچیق سوز، شماره ۲۱، (۲۷ اکتبر ۱۹۱۵).
- آچیق سوز، شماره ۲۳، (۲۹ اکتبر ۱۹۱۵).
- آچیق سوز، شماره ۲۴، (۳۰ اکتبر ۱۹۱۵).
- آچیق سوز، شماره ۳۱، (۱۰ نوامبر ۱۹۱۵).
- آچیق سوز، شماره ۳۴، (۱۳ نوامبر ۱۹۱۵).
- آچیق سوز، شماره ۳۵، (۱۵ نوامبر ۱۹۱۵).
- آچیق سوز، شماره ۳۹، (۱۹ نوامبر ۱۹۱۵).
- آچیق سوز، شماره ۴۱، (۲۲ نوامبر ۱۹۱۵).
- آچیق سوز، شماره ۴۷، (۲۸ نوامبر ۱۹۱۵).
- آچیق سوز، شماره ۵۳، (۴ دسامبر ۱۹۱۵).

۱۰۰ | مطالعات تاریخی جنگ، شماره ۵ |

- آچیق سوز، شماره ۵۴، (۶ دسامبر ۱۹۱۵).
- آچیق سوز، شماره ۵۵، (۷ دسامبر ۱۹۱۵).
- آچیق سوز، شماره ۵۹، (۱۱ دسامبر ۱۹۱۵).
- آچیق سوز، شماره ۶۴، (۱۸ دسامبر ۱۹۱۵).
- آچیق سوز، شماره ۶۸، (۲۳ دسامبر ۱۹۱۵).
- آچیق سوز، شماره ۶۹، (۲۵ دسامبر ۱۹۱۵).
- روزنامه/ارشاد، شماره ۲۶۰، (۹ نوامبر ۱۹۰۶).
- روزنامه بصیرت، شماره ۴۴، (۹ مه ۱۹۱۵).
- بصیرت، شماره ۴۹، (۱۳ ژوئن ۱۹۱۵).
- روزنامه شرق روس، شماره ۲۰، (۱۸ مه ۱۹۰۳).
- Ashirli, Akif (2009). *Azerbaijan matbuat tarixi (1875-1920)*, Baku: Elm ve tahsil.
- Mohammad Amin Rasulzade (2013). *Baku: Elm ve Tahsil*.
- Mammadzade, Mirza bala (1992). *Milli Azerbaijan harakati*, Baku: Nijat.
- Rasulzade, M. A (2012). *Asarlari (1914-1915)*, III cild, Baku: Elm.
- Yaqublu, Nasiman (1991). *Mohammad Amin Rasulzade (Azerbaijanin Gorkamli Adamlari)*. Baku: Genclik.
- Yaqublu, Nasiman (2013). *Mohammad Amin Rasulzade Ensiklopediyasi*, Baku.